«ابرار» زندگی‌نامه تصویری علما

مجموعه مستند شبکه قرآن و معارف سیما تلاش دارد سبک زندگی اصیل دینی را به تجربه‌ای ملموس برای نسل امروز تبدیل کند



امیر گودرزی
گروه رسانه





شناخت ابعاد واقعی و سیره عملی عالمان دینی فراتر از قاب‌ها و روایت‌های مرسوم، ضرورتی ملموس و حیاتی برای پیوند دوباره جامعه و به‌ویژه نسل جوان با الگوهای اصیل اخلاقی، فکری و رفتاری به‌شمار می‌رود. در روزگاری که غلبه سبک زندگی مصرف‌گرا و چالش‌های هویتی، یافتن آرامش و معنا را برای نسل امروز دشوار کرده است، بازخوانی زندگی شخصیت‌هایی که عمر خود را در راه دانش، پارسایی و خردورزی گذرانده‌اند، می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای نسل امروز باشد.

این بزرگان در ورای جایگاه‌های رسمی، زیستی به‌غایت انسانی، ساده و ملموس داشته‌اند و با مسائل و مرارت‌هایی شبیه به همان چالش‌های جوانان امروز روبه‌رو بوده‌اند؛ از دوران پرفرازونشیب تحصیل و شکل‌گیری منظومه فکری گرفته تا مقاومت در برابر تنگناها برای دستیابی به اهداف متعالی. از همین رو، بازنمایی این لایه‌های پنهان، فاصله ذهنی میان نسل جدید و مفاهیم معرفتی را از میان برمی‌دارد و امکانی واقعی برای همذات‌پنداری عمیق پدید می‌آورد؛ به‌ویژه آن‌که پیوند فکری و عملی با این اسوه‌ها، پاسخی عینی و کارگشا به دغدغه‌های فرهنگی معاصر است.

مجموعه «ابرار» مستندی پرتره درباره علمایی است که اگرچه دیگر در قید حیات نیستند اما، آثار و برکات معنوی و دینی زندگی‌شان همچنان در زندگی فردی، جامعه اسلامی و مراکز دینی کشور جاری است

بر همین اساس، مجموعه مستند پرتره «ابرار» با عبور هدفمند از قالب‌های گزارشی صرف و با پرهیز از تکرار روایت‌های رایج، دوربین خود را به لایه‌های نادیده، سبک زیست روزمره، دوران جوانی و ابعاد برجسته علمی و اخلاقی این چهره‌های اثرگذار برده است تا الگوسازی دینی را به تجربه‌ای ملموس و باورپذیر تبدیل کند. رویکردی که نه‌تنها با فرم‌گرایی نوآورانه و بازسازی‌های دقیق تاریخی همراه شده، بلکه توانسته رضایت و قدردانی صاحب‌نظران را جلب کند و گامی مؤثر در پاسخ به مطالبه احیای سبک زندگی ناب دینی در قاب رسانه بردارد. امید ملکوتی، تهیه‌کننده و سردبیر این اثر در گفت‌وگویی با جام‌جم، به تشریح ضرورت‌های تولید، جزئیات روایی و بازخوردهای این مجموعه پرداخته است. ابرار تولید شبکه قرآن و معارف سیماست که پنجشنبه‌ها از همین شبکه روی آنتن می‌رود.

روایت لایه‌های پنهان زندگی علما

ملکوتی در گفت‌وگو با جام‌جم درباره معرفی این برنامه می‌گوید: این اثر، مستندی پرتره درباره علمایی است که اگرچه دیگر در قید حیات نیستند اما، آثار و برکات معنوی و دینی زندگی‌شان همچنان در زندگی فردی، جامعه اسلامی و مراکز دینی کشور جاری است. در تولید این برنامه، تمرکز ما روی لایه‌هایی از زندگی این بزرگان قرار گرفته که تاکنون کمتر دیده شده است. از این‌رو تلاش کرده‌ایم فراتر از سخنرانی‌ها و جلسات رسمی و مرسوم، به بخش‌های پنهان، زندگی روزمره، سیره عملی و سبک زندگی این عزیزان ورود کنیم و نکاتی را که تا امروز ناگفته و نادیده مانده، پیش‌روی مخاطب قرار دهیم.

او درباره هدف برنامه ابرار می‌افزاید: هدف اصلی ما این است که نگاه جامعه و به‌ویژه نسل جوان را متوجه این سبک زندگی کنیم. واقعیت این است و نباید تعارف داشته باشیم که سبک زندگی دینی تا حدی در ذهن نسل جوان کمرنگ شده است. هدف ما ارائه الگوهای دینی به نسل امروز است تا دریابند شخصیت‌هایی که معمولا از آنها تنها تصاویری از سخنرانی‌ها و حضور در محافل مختلف منتشر می‌شود، در زندگی روزمره نیز مانند مردم عادی زندگی می‌کردند و چه‌بسا ساده‌تر از بسیاری از ما روزگار می‌گذراندند. آنها با همان سادگی و همان روش‌های طبیعی زیسته‌اند و می‌خواهیم از همین مسیر پیامی اثرگذار را منتقل کنیم و جوانان را به این فضا پیوند بزنیم.

این تهیه‌کننده سیما در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی انتخاب این چهره‌ها توضیح می‌دهد: در انتخاب این شخصیت‌ها، ملاک محوری ما سبک زندگی، تراز علمی و ابعاد اخلاقی آنها بوده است. ما سراغ شخصیت‌هایی رفته‌ایم که دایره تأثیرگذاری عمیق‌تری بر جامعه پیرامونی و محیط عمومی کشور داشته‌اند و تلاش کردیم سجایای اخلاقی و سیره عملی آنان را به‌گونه‌ای تصویر کنیم که بیشترین کشش و جاذبه را برای مخاطبان جوان فراهم کند.

تفاوت‌های بنیادین ابرار با سایر آثار مستند

ملکوتی درباره تفاوت میان ابرار با آثار دیگری مانند «عبای خاکی» می‌گوید: این برنامه بیشتر یک مستند گزارشی بود، درحالی‌که پروژه ما در قالب مستند پرتره طراحی و اجرا شده است. بنده شخصا سابقه ۱۳ ـ ۱۲ ساله در این مسیر دارم و پیش‌تر مستند «سعادتمندان» را در قالب یک مجموعه ۹۰ قسمتی تولید کردم. در ادامه، متناسب با رویکرد شبکه، اثر را با تغییر نام و اعمال پاره‌ای اصلاحات محتوایی به مستند جدید تبدیل کردیم. جنس کار ما با نمونه‌های دیگر متفاوت است و تمرکز ما به‌طور کامل بر قالب پرتره قرار دارد؛ پرتره‌ای که در آن روحیات اخلاقی، سبک زندگی روزمره و ابعاد انقلابی، علمی و دینی بزرگان بازخوانی می‌شود. این زاویه نگاه برای ما بسیار جذاب است؛ زیرا با اتکا به چنین فکت‌های واقعی و روشنی می‌توانیم دلایل گزینش سوژه‌ها و نقاط عطف مثبت زندگی‌شان را برای جوانان باورپذیر و ملموس کنیم.

تهیه‌کننده ابرار در پاسخ به این‌که چه کردید تا این برنامه برای جوانان جذاب باشد، بیان می‌کند: برای این‌که مجموعه برای نسل جوان جذاب و الهام‌بخش باشد، زاویه گفت‌وگوها را به سمت دوران جوانی، نحوه شکل‌گیری شخصیت، ریشه‌های تکوین افکار و منظومه عقاید این بزرگان هدایت کردیم تا پل همذات‌پنداری میان مخاطب و سوژه برقرار شود. زمانی که مخاطب پای روایت مستند می‌نشیند و به‌عنوان نمونه با زندگی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی روبه‌رو می‌شود، می‌بیند که ایشان جوانی خود را چگونه سپری کردند، مسیر سخت تحصیل را با چه مرارت‌هایی پیمودند و در مواجهه با چالش‌هایی که هر جوانی برای رسیدن به اهداف بزرگ با آن دست‌به‌گریبان است، چگونه ایستادگی کردند. ما بر تصویرسازی همین ایستادگی و مسیر دستیابی به مقصود تمرکز کردیم.

برای این‌که مجموعه برای نسل جوان جذاب و الهام‌بخش باشد، زاویه گفت‌وگوها را به سمت دوران جوانی، نحوه شکل‌گیری شخصیت، ریشه‌های تکوین افکار و منظومه عقاید این بزرگان هدایت کردیم

از توقف نسخه مکتوب تا برنامه‌ریزی برای فصل‌های آینده

او درباره گردآوری سخنان علما به‌صورت مکتوب نیز می‌گوید: درباره توسعه رسانه‌ای و تدوین نسخه مکتوب اثر نیز در مقطعی بنا بود نهادی متولی پیاده‌سازی گفت‌وگوها و انتشار آنها در قالب کتاب شود، اما متأسفانه تا این لحظه به سرانجام نرسیده است. بی‌تردید انتشار مکتوب این خاطرات و تحلیل‌ها گام مؤثری برای ثبت تاریخی و ارتباط با مخاطبان بیشتر خواهد بود و شخصا از تحقق آن استقبال می‌کنم.

ملکوتی درباره فصل‌های آینده نیز توضیح می‌دهد: برای آینده و تولید فصل‌های بعدی نیز این ایده را داریم که پس از طی مراحل، تولید فصل آتی را کلید بزنیم؛ البته این امر وابسته به شرایط تولید، جدول منابع و اعلام نیاز و همراهی مدیران شبکه است. چنانچه روند تولید همین مجموعه مستند هم تداوم یابد، تمام توان خود را صرف برطرف‌کردن نقاط ضعف سری‌های گذشته خواهیم کرد تا با کیفیت و فرمی ارتقایافته‌تر روی آنتن برود.

وی درباره بازخوردهای ابرار می‌گوید: بازخوردهای مردمی و نخبگانی این برنامه نتایج مثبتی داشته است. مجموعه در میان فعالان جامعه قرآنی و چهره‌های مذهبی کشور با استقبال بسیار چشمگیری مواجه شد و براساس ارزیابی‌ها و ارتباطاتی که داریم، دست‌کم ۶۰ درصد از اهداف طراحی‌شده ما محقق شده و فضا برای کسانی که به تماشای کار نشستند ملموس و دلنشین بوده است. گرچه نمی‌توان ادعای تحقق صددرصدی داشت، اما گام‌های اصلی به‌درستی برداشته شده است.

او همچنین می‌افزاید: نکته حائز اهمیتی که باید به آن اشاره کنم، تولید مستند مربوط به علامه حسن‌زاده آملی است که بخش‌هایی از آن به‌صورت نمایشی و بازسازی صحنه‌ها اجرا شد. او همچنین می‌گوید: برای دستیابی به این فرم دقیق، بیش از ۵۰ بازیگر را برای گریم و ایفای نقش مورد آزمایش قرار دادیم تا به نزدیک‌ترین بازآفرینی از چهره و مستندات تاریخی دست پیدا کنیم. دریافت بازخوردی از سوی رهبر معظم انقلاب، انگیزه‌بخش‌ترین رویداد برای تیم تولید بود و نشان داد اقدام سیما در پرداختن به چنین سوژه‌هایی با فرم‌های استاندارد و نمایشی تا چه میزان می‌تواند اثرگذار باشد.



استمرار در پرداختن به زندگی روحانیون

درباره اهمیت مجموعه ابرار باید گفت که معرفی علما در قاب تلویزیون سابقه‌ای طولانی دارد؛ پیش از ساخت «ابرار»، آثاری همچون عبای خاکی و بی‌حاشیه نیز به زندگی علمای دینی و شخصیت‌های برجسته حوزوی پرداخته‌اند. مجموعه مستند «عبای خاکی» با روایتی صمیمی به زندگی، سیره اخلاقی و مردمداری علما و روحانیون مجاهد در اقصی نقاط کشور می‌پرداخت و تلاش می‌کرد تصویر بی‌واسطه و ملموسی از ارتباط آنان با مردم به نمایش بگذارد. همچنین مجموعه «بی‌حاشیه» با رویکردی متفاوت مجالی را برای گفت‌وگوی صمیمی و گاه طنز روحانیون با مردم فراهم آورده است. امروز و در عصر هجوم رسانه‌ها و تنوع الگوهای گوناگون، تماشای زندگی و سیره عملی علما برای نسل جوان و نوجوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آشنایی با سبک زندگی ساده، پایبندی به اصول اخلاقی، تعهد اجتماعی و مسیر پرفرازونشیب این بزرگان می‌تواند پاسخگوی بسیاری از پرسش‌ها و سرگشتگی‌های نسل امروز باشد؛ نسلی که بیش از هر زمان دیگری نیازمند الگوهای اصیل، ملموس و الهام‌بخش در حوزه‌های معنویت، هویت و مقاومت فکری است. افزودن این آثار به کارنامه رسانه‌ملی نشان می‌دهد که پرداختن به زندگی علما و مفاخر دینی، سنتی استمراریافته در مستندسازی تلویزیونی است که هر بار با زاویه دید و فرمی تازه، پل ارتباطی میان تجربه‌های زیسته بزرگان دین و دنیای پرمسأله نسل جدید برقرار می‌کند.

مکث

ویژه

شمشیر روزنامه اصلاح‌طلب علیه تضارب آرا

روزنامه «سازندگی» تلاش کرده با گزارشی یک‌سویه، رسانه ملی را زیر سؤال ببرد

روزنامه «سازندگی» در گزارشی پر از ابهام و جهت‌گیری، حضور سعید جلیلی در صداوسیما را به باد انتقاد گرفته و مدعی شده که رسانه ملی با دعوت از او، علیه تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و شخص محمدباقر قالیباف موضع گرفته است. این واکنش شتاب‌زده، بار دیگر نشان داد که برخی جریانات سیاسی تا چه اندازه نسبت به گردش آزاد اطلاعات و شنیده‌شدن صدای طیف‌های مختلف منتقد، حساسیت و گارد دارند. جالب اینجاست که همین جریان‌ها هر زمان تریبونی در اختیار همفکران‌شان باشد، آن را «دموکراسی» و «آزادی بیان» می‌نامند، اما به محض این‌که چهره‌ای منتقد یا مخالف رویکرد دولت و طیف متبوع‌شان فرصتی برای تبیین مواضع پیدا می‌کند، آسمان و ریسمان را به هم می‌بافند تا صداوسیما را زیر ضرب ببرند.

از این نکته هم نباید غفلت کرد که سعید جلیلی که روزنامه اصلاح‌طلب سازندگی از حضور او در رسانه ملی برآشفته شده، فردی است که در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، حدود ۱۳میلیون و ۵۰۰ هزار رأی می‌آورد و می‌توان او را نماینده بخش قابل توجهی از جامعه دانست. از سوی دیگر هریک از مسئولیت‌های دیگر او ازجمله نمایندگی رهبری در شورای عالی امنیت ملی و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام کافی است تا توجیه‌کننده حضور او در یک برنامه تلویزیونی باشد و مشخص نیست چرا روزنامه سازندگی چشم خود را بر تمام این واقعیت‌ها بسته است.



واقعیت این است که رویکرد صداوسیما در دعوت از چهره‌های سیاسی مختلف، فراتر از این فضاسازی‌های رسانه‌ای، بر پایه اصل منطقی «تضارب آرا» استوار است. در ساختار رسانه ملی، همان‌گونه که آقای کرباسچی و بسیاری از چهره‌های طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا بارها مهمان برنامه‌های مختلف بوده‌اند و دیدگاه‌های خود را بدون واسطه مطرح کرده‌اند، سعید جلیلی نیز به‌عنوان یک چهره سیاسی، صاحب‌نظر و مسئول سابق در پرونده‌های کلان کشور، حق دارد دیدگاه‌های کارشناسی خود را درباره مسائل روز، دیپلماسی و توافقات منطقه‌ای و بین‌المللی بیان کند. تقلیل دادن حضور یک مقام مسئول و تحلیلگر ارشد به «حمله به یک شخص خاص» یا «جهت‌گیری علیه یک تفاهم‌نامه»، نگاهی کاملا قبیله‌ای و ابزاری به رسانه ملی است.

روزنامه سازندگی در حالی صداوسیما را متهم به یک‌سویه‌نگری می‌کند که فراموش کرده اتفاقا سال‌هاست منتقدان اصلی رویکرد دولت‌های اعتدال و اصلاحات، از تریبون‌های رسمی محروم بوده‌اند. امروز که رسانه ملی تلاش می‌کند با رویکردی فراگیرتر، فضایی برای نقد کارشناسی و بازخوانی زوایای پیدا و پنهان تصمیمات کلان کشور فراهم کند، برخی تحمل شنیدن نقد منصفانه یا حتی تند منتقدان را ندارند. تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و ابعاد دیپلماسی کشور موضوعاتی حیاتی هستند که باید در فضای نخبگانی، دانشگاهی و رسانه‌ای به بحث گذاشته شوند؛ نه این‌که هر نقد کارشناسی یا مخالفت با رویکرد مذاکراتی، به‌عنوان «اقدام علیه منافع ملی» یا «حمله به افراد» برچسب بخورد.

مهم‌تر از همه، افکار عمومی امروز به بلوغی رسیده‌اند که خوب و بد را از هم تشخیص دهند. مردم نیازی ندارند که روزنامه‌های زنجیره‌ای برای‌شان تعیین تکلیف کنند که چه کسی باید حرف بزند و چه کسی سکوت کند. تنوع آرا در صداوسیما نه‌تنها نقطه ضعف نیست، بلکه دقیقا همان نقطه‌قوتی است که رهبر انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند: ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی و میدان دادن به بحث‌های جدی کارشناسی. این‌که اقلیتی رسانه‌ای انتظار داشته باشد صداوسیما تنها بازتاب‌دهنده نظرات جریان خاصی از مدیران و حامیان دولت باشد، خیانت به رسالت رسانه ملی است.

بهتر است مدعیان اصلاح‌طلبی و حامیان تفاهم‌های اخیر به‌جای فرافکنی و حمله به صداوسیما، به استقبال نقدها بروند و اجازه دهند افکارعمومی خود درباره دستاوردهای واقعی یا ابهامات توافقات قضاوت کنند. رسانه ملی خانه همه ایرانیان است و تریبون آن متعلق به یک جریان خاص نیست؛ حضور چهره‌های مختلف در این رسانه، بهترین گواه بر این است که صداوسیما تلاش می‌کند صدای همه بخش‌های جامعه و جریانات سیاسی را بازتاب دهد، نه‌فقط آنهایی که با سلیقه سیاسی تحریریه سازندگی همخوانی دارند.

یادداشت

دکتر سیدمرتضی موسویان | رئیس هیأت‌مدیره انجمن سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای؛ زیرساخت شناختی جامعه در عصر هوشمندی

به‌مناسبت هفته سواد رسانه‌ای و در جایگاه رئیس هیأت‌مدیره انجمن سواد رسانه‌ای ایران، بر آنم تا اهمیت و ضرورت توجه به سواد رسانه‌ای را در مواجهه با تحولات شتابان عصر هوشمندی، از سه منظر به اختصار تبیین کنم. امروز گسترش هوش مصنوعی، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های هوشمند، محیط رسانه‌ای و شیوه دسترسی، دریافت و پردازش اطلاعات را به‌سرعت دگرگون کرده است؛ به‌گونه‌ای که تشخیص اطلاعات معتبر از نادرست، شناخت اهداف و پیامدهای محتوای رسانه‌ای و اتخاذ تصمیم آگاهانه، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

در چنین شرایطی، سواد رسانه‌ای دیگر صرفا مجموعه‌ای از مهارت‌ها برای استفاده درست از رسانه‌ها نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ و ارتقای قدرت تشخیص، تفکر نقادانه و توانمندی شناختی افراد و جامعه به‌شمار می‌رود. از همین‌رو، در این نوشتار در سه ساحت مجزا؛ ابتدا به تحولات محیط رسانه‌ای در عصر هوشمندی و چالش‌هایی می‌پردازم که این تحولات پیش روی جامعه قرار داده‌اند؛ سپس نقش سواد رسانه‌ای در حفظ و ارتقای توانمندی شناختی جامعه را بررسی می‌کنم و در ساحت سوم، الزامات تبدیل سواد رسانه‌ای به یک اولویت ملی را با تأکید بر مشارکت و مسئولیت مشترک نظام آموزشی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، نهادهای حاکمیتی و سازمان‌های مردم‌نهاد مورد توجه قرار می‌دهم.

ساحت اول: تحولات محیط رسانه‌ای در عصر هوشمندی

رسانه‌های اجتماعی در محیط سایبر، دیگر صرفا ابزارهایی برای ارتباط، سرگرمی یا تبادل اطلاعات نیستند؛ بلکه به‌تدریج به زیست‌بومی فراگیر تبدیل شده‌اند که بخش مهمی از زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در آن جریان دارد. امروزه آموزش، کسب‌وکار، تعاملات اجتماعی، دریافت اخبار، شکل‌گیری نگرش‌ها و حتی بخش‌هایی از تصمیم‌گیری‌های روزمره، به این زیست‌بوم وابسته شده است. به بیان دیگر حضور در محیط سایبر و تعامل با رسانه‌های اجتماعی، برای بسیاری از افراد نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و بخشی از واقعیت زندگی معاصر است. با این حال، آنچه این زیست‌بوم را از رسانه‌های سنتی متمایز می‌کند، صرفا سرعت انتقال اطلاعات یا گستردگی مخاطبان نیست؛ بلکه فلسفه وجودی، منطق عملکرد و سازوکارهای معرفتی خاص آن است. رسانه‌های اجتماعی در محیط سایبر، برخلاف تصور رایج، فضاهایی خنثی و بی‌طرف برای عرضه و دریافت آزادانه اطلاعات نیستند. این رسانه‌ها براساس معماری فنی، الگوهای اقتصادی و منطق الگوریتمی خود، تعیین می‌کنند چه محتوایی بیشتر دیده شود، چه موضوعاتی در کانون توجه قرار گیرد و کاربران با چه نوع اطلاعات و دیدگاه‌هایی مواجه شوند. در واقع آنچه مخاطب در صفحه شخصی خود مشاهده می‌کند، لزوما بازتابی از تمام واقعیت‌های موجود نیست، بلکه گزینشی از محتواست که براساس داده‌های رفتاری و محاسبات الگوریتمی برای او سازماندهی شده است.

یکی از پیامدهای مهم این سازوکار، شکل‌گیری «اتاق پژواک» و «حباب فیلتر» است. رسانه‌های اجتماعی با رصد رفتار کاربران، از جمله علایق، جست‌وجوها، پسندها، اشتراک‌گذاری‌ها، مدت زمان توقف بر محتوا و نوع تعاملات آنان، به شناختی مستمر از ترجیحات و الگوهای رفتاری مخاطبان دست می‌یابند؛ سپس با استفاده از این داده‌ها، محتوایی را در معرض دید آنان قرار می‌دهند که احتمالا با علایق و باورهای‌شان سازگارتر است و رضایت و ماندگاری بیشتری ایجاد می‌کند.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

آگهی مزایده عمومی

موضوع: آگهی مزایده اجاره انبار مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند در نظر دارد سوله انبار مرکزی واحد به متراژ حدود ۸۵۰ مترمربع را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.

علاقمندان می‌توانند حداکثر ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی جهت بازدید از انبار مرکزی واحد در ساعات اداری (شنبه تا چهارشنبه) به آدرس: دماوند، بلوار شهید بهشتی، میدان معلم، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند مراجعه نمایند.

ضمنا جهت دریافت اسناد مزایده با واریز مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال (سه میلیون ریال) به حساب ۰۱۰۶۰۱۴۰۴۸۰۰۳ نزد بانک ملی و ارائه فیش به امور اداری طبقه سوم ساختمان اداری به آدرس فوق مراجعه نمایید.

لازم به ذکراست هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

دانشگاه در قبول یا رد هریک از پیشنهادات دارای اختیار تام می‌باشد.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند